

جهت خوش آمد رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران انجام داده است. نکته مهم اما این است که در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران که منجر به شهادت بیش از ۱۰۰۰ نفر از هموطنانمان شد، دولت استرالیا از حملات رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان و کشتار مردم ایران حمایت کرده بود.»

▼ **اسرائیل می خواهد تصویر یهودی ستیزانه از ایران ارائه کند**
هادی برهانی، استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران درباره این فضاسازی ها به هم میهن گفت: «اسرائیل رژیمی فرصت طلب و فریبکار است. جنگی هم که طی دو سال گذشته در غزه و سایر جبهه‌ها در کشورهای مختلف خاورمیانه داشته، برایش گران تمام شده. به‌ویژه این که بعد از این تحولات، در افکار عمومی جهان به عنوان یک رژیم نسل کش شناخته می‌شود. امواجی از این افکار عمومی منفی در کشورهای غربی به وجود آمده که منافع و اعتبار اسرائیل را در جهان به خطر انداخته است. اسرائیل می خواهد از زیر بار این فشار سنگین خارج شود و دنبال فرصت می گردد. به نظر می‌رسد اسرائیل به آنچه در سیدنی رخ داد، به چشم یک فرصت نگاه می کند که بتواند از رهگذر آن خود را نجات دهد. نقش قربانی را بازی کند و تبلیغاتی راه بیاندازد که آنچه در سیدنی اتفاق افتاد نتیجه یهودی ستیزی و تظاهراتی است که در کشورهای غربی از جمله استرالیا برگزار شد تا بتواند به حرکت‌های آزادخواهانه‌ای که علیه جنایت‌های اسرائیل شکل گرفت، فشار وارد کند.»



او اضافه کرد: «یک وجه دیگر ماجرا هم این است که اسرائیل می خواهد از رهگذر این اتفاق، کشورهای دشمن خود در منطقه را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد. درحالی که این مسئله اصلاً ربطی به اسرائیل ندارد. اتفاقی در استرالیا رخ داده و تعدادی یهودی استرالیایی کشته شدند. اتفاقاً فردی هم که یکی از عوامل حمله را خلع سلاح کرد و نقش مهمی در جلوگیری از کشتار بیشتر داشت، یک مسلمان استرالیایی بود. اما رسانه‌های اسرائیلی در تلاش هستند از اتفاقی که هزاران کیلومتر دورتر از اسرائیل اتفاق افتاده را به نفع خودشان استفاده کنند. یکی از گزینیه‌ها این است که با استفاده از ابزار و عنوان یهودی ستیزی و نسبت دادن آن به ایران، فشار را از این جهت به ایران بیشتر کنند.»

این استاد مطالعات اسرائیل تأکید کرد: «این اقدام در درجه اول برای این است که چهره ایران در جهان تخریب و کشور منزوی تر شود. بالاخره چسباندن اتهام دست داشتن در قتل عام عده‌ای انسان بی گناه در کشوری که برای غربی‌ها خیلی مهم است، از ایران همان تصویری را می‌سازد که اسرائیل دنبال آن است. این فرصتی است که چهره مطلوب خود از ایران به عنوان عامل ترور و یهودی ستیزی را بیشتر بسازند و آن را جایی‌اندازند. بعد با استفاده از چنین تصویری، اقدامات ضدایرانی راحت‌تر است. ممکن است بخواهند از این تصویر بهانه‌ای برای اقدام نظامی بیرون بیاورند، یا کشورهای غربی را تحت فشار بگذارند تا ایران را تحت تحریم و فشار بیشتری بگذارند. این تصویرسازی برای آن‌ها کاربرد زیادی دارد.»

▼ **جنایات اسرائیل عامل محرک حمله سیدنی است**



حسن هائی زاده، کارشناس مسائل خاور میانه نیز در تحلیل این رخداد و فضاسازی‌های پس از آن به هم میهن گفت: «اتفاق اخیری که در سیدنی برای یهودیان ساکن استرالیا رخ داد، در واقع یک عمل غیراخلاقی بود و قابل توجیه نیست. صرف نظر از ماهیت قربانیان این حادثه که از یهودیان هستند نباید فراموش کرد که اقدامات افراطی کابینه بنیامین نتانیاهو و کشتار بیش از ۷۰ هزار زن و کودک در غزه، و حمله به مردم بی دفاع در لبنان، سوریه، یمن و همچنین ایران باعث ایجاد موج نفرتی نسبت به صهیونیست‌ها در سراسر جهان شد. در چنین فضایی ممکن است واکنش‌هایی به اینگونه اقدامات سرکوبگرانه و رفتارهای تهاجمی رژیم صهیونیستی نیز رخ دهد. قربانیان چنین اقداماتی هم یهودیانی هستند که شاید حتی ارتباط سیستماتیک با رژیم صهیونیستی نداشته باشند.» او اضافه کرد: «رژیم صهیونیستی بدون هیچ دلیل و سندی انگشت اتهام را به سمت ایران نشانه رفته است و این نشان می‌دهد که این رژیم از این فرصت هم برای جریان سازی علیه ایران استفاده می کند. هنوز مقامات استرالیا نتیجه تحقیقات خود را اعلام نکرده اند و بر این موضوع تأکید داشتند که تحقیقات ادامه دارد و عاملان حمله پاکستانی الاصل هستند که احتمالاً به صورت انفعالی دست به این حمله زده اند، اتهامی هم متوجه ایران نکردند. ایران هم این حمله را محکوم کرد و دولت استرالیا باید شفاف سازی کند که مانع سوءاستفاده رژیم اسرائیل شود. اما آن‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از این فرصت، به جریان سازی علیه ایران بپردازند و افکار عمومی را علیه ایران تحریک کنند.»

این تحلیلگر مسائل جهان عرب ادامه داد: «هدف اسرائیلی‌ها از دست زدن به این فضاسازی‌ها علیه ایران است که زمینه سازی‌هایی انجام بدهند تا اگر خواستند در آینده دست به ماجراجویی علیه ایران بزنند، افکار عمومی را از قبل آماده کرده باشند. به همین دلیل هر اتفاقی در هر جای جهان برای یهودیان رخ دهد، انگشت اتهام را به سمت ایران می‌گیرند و آن را متوجه تهران می‌کنند. درحالی که این اسرائیل و کابینه راست افراطی اوست که باید در رفتار خود نسبت به مردم فلسطین و ملت‌های منطقه تجدیدنظر کند.»

هائی زاده تأکید کرد: «نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که با جنایت‌های اسرائیل پس از عملیات طوفان الاقصی در دو سال گذشته، موج نفرت علیه اسرائیل و صهیونیست‌ها به وجود آمد که منجر به تظاهرات در ۱۴۰ کشور علیه آن‌ها شد که واکنش‌هایی طبیعی به جنایت‌های نتانیاهو و رژیم صهیونیستی بود.»

این کارشناس مسائل خاورمیانه در تحلیل واکنش ایران نیز گفت: «ایران به طور طبیعی این حمله را محکوم کرد. کشتار مردم از هر صنف، ملیت و دینی که باشند از نظر جمهوری اسلامی ایران محکوم است. ایران هم به خاطر اینکه قربانیان این اقدام ممکن است ارتباطی با رژیم صهیونیستی نداشته باشند، این عملیات را محکوم کرد. اما نباید این را از ذهن دور کنیم که با توجه به رفتار اسرائیل، ممکن است اقداماتی مشابه در نقاطی دیگر هم رخ دهد که مسئولیت آن با نتانیاهو و تیم اوست که باید پاسخگوی افکار عمومی باشند.»

دستور اژه‌ای برای مداخله در بازار ارز

گروه خبر: روز گذشته غلامحسین محسنی اژه‌ای، در نشست شورای عالی قوه قضائیه، به تبیین و تشریح ابعاد مقوله مبارزه با فساد پرداخت. او در این باره تأکید کرد: «مطالبه‌گری مردم در بحث مقابله با فساد، مطالبه‌ای درست و بحق است؛ در شرایط گرانی و تورم، چنانچه فرد یا افرادی با سوءاستفاده از شرایط بخواهند فشار مضاعف به مردم تحمیل کنند و مرتکب فساد شوند، قطعاً باید قاطعانه و مجدانه، مورد برخورد قانونی قرار گیرند؛ لکن این برخورد قاطعانه و مجدانه باید عالمانه هم باشد و همه جوانب در قبال آن، مراعات شود.» او با اشاره به اینکه هدف ما ریشه کن کردن فساد است، افزود: «فساد به صرف بگیر و ببند و زندان و مجازات، ریشه کن نمی‌شود؛ این را تجربیات گذشته نیز ثابت کرده است؛ باید ریشه‌ها، گلوگاه‌ها و زمینه‌های فساد را رفع و مسدود کرد؛ بعضاً باید رویه‌ها و ساختارها را اصلاح کرد؛ باید تعارضات را رفع کرد؛ باید آگاهی بخشی عمومی را گسترش و بسط داد؛ باید تنبئه بیشتر داد؛ باید قانونی که تصویب می‌شود و فسادزدا و شفافیت‌افزا است را به صورت تمام و کمال اجرایی کرد؛ باید دستگاه‌های نظارتی و بخش‌های فرهنگی و تبلیغاتی و فعالان بخش خصوصی و مؤثران در ایجاد ساختارهای شفافیت‌افزا و فسادزدا، به همگرایی و هم‌افزایی بیش از پیش نائل شوند؛ در کنار این موارد، قطعاً یقیناً باید مرتکبین فساد را هم وفق قانون، محاکمه و مجازات کرد؛ با مجموعه این تدابیر و تمهیدات است که فساد ریشه کن می‌شود.» رئیس دستگاه قضا، گفت: «قوه قضائیه همچون گذشته و حتی بیش از گذشته، مبارزه عالمانه و مجدانه با فساد را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است و در برابر هر فساد و مفسدی که وفق قوانین و موازین و مقررات، فساد او ثابت و حراز شود، بدون کوچکترین اغماض و تردید و ملاحظه‌ای، خواهد ایستاد؛ لکن بار دیگر تأکید می‌کنم که این امر به تنهایی ما را در قضیه ریشه کن کردن فساد، به سرانجام مطلوب نمی‌رساند و لوازم و ملزومات دیگری نیز نیاز است؛ باید همه قوا، دستگاه‌ها، مردم، بخش خصوصی و... دست در دست هم دهیم تا هدف غایی که همان ریشه کن کردن فساد است، حاصل شود.» اژه‌ای با اشاره به نوسانات ارزی، تأکید کرد: «هفته گذشته خطاب به رئیس سازمان بازرسی کل کشور تأکیداتی در خصوص ورود به مبحث ارز و مسائل ارزی و نوسانات این بازار داشتیم. تأکید ما بررسی جامع در این فقره است؛ باید اشکالات کار در این قضیه، مشخص و معلوم شود؛ آیا قصور است یا تقصیر؟ آیا مشکلات ارزی، ناشی از ساختارها و نحوه مدیریت است یا فشارهای دشمن؟ سازمان بازرسی بدون درنگ و بلافاصله جلسه‌ای را با حضور نمایندگان همه دستگاه‌های نظارتی، بانک مرکزی و برخی افراد مؤثر در مجلس و تعدادی از کارشناسان و صاحب نظران تشکیل داد؛ مقرر شده این جلسه بار دیگر تشکیل شود تا بررسی‌های جامع در خصوص موضوع مذکور، تکمیل شود؛

تأکید مؤکد ما نیز آن است که به هیچ وجه نباید این قضیه رها شود و ایتر بماند؛ هدف اصلی ما در این فقره، رفع مشکل است، نه صرف برپایی جلسات. باید علل و عوامل بروز و پیدایش مسائل ارزی روشن و مشخص شود؛ استد اقداماتی که در این عرصه قوای سه گانه، بانک مرکزی، بخش خصوصی و مردم باید انجام دهند، مشخص گردد؛ در این حوزه باید کار کارشناسی دقیق و جامع صورت گیرد.» او تأکید بر اهمیت ایجاد و گسترش نهضت علمی در قوه قضائیه، بیان کرد: «پیشرفت و توسعه بدون توجه و اهتمام نسبت به مقوله علم و ایجاد و گسترش نهضت علمی حاصل نمی‌شود؛ ما در برخی ابعاد و مقولات حقوقی و قضایی به پژوهش و تحلیل و غنای علمی بیشتر نیازمندیم؛ به پژوهشگاه قوه قضائیه، معاونت راهبردی، معاونت حقوقی و سایر بخش‌های ذیصلاح در دستگاه قضا دستور می‌دهم که در راستای رفع مسائل مبتلابه قوه قضائیه و در جهت تسریع و تدقیق در خدمات رسانی‌های حقوقی و قضایی به مردم، نهضت علمی در عدلیه را ایجاد کنید و گسترش دهید و اعتبارات و ملزومات این امر خطیر را بیش از پیش فراهم سازید.» رئیس قوه قضائیه با اشاره به تلاش دشمنان برای ایجاد انشقاق و اختلاف در امت اسلام و جامعه ایران اسلامی گفت: «باید بسیار هوشیار باشیم؛ دشمن کاری را که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نتوانست انجام دهد می‌خواهد با روایت سازی‌های جعلی و فتنه‌گری، محقق کند؛ دشمن می‌خواهد اتحاد و انسجام ما را مخدوش سازد و ما را سرگرم مسائل فرعی و حاشیه‌ای و دست‌چند کند؛ نباید ناخواسته در زمین دشمن بازی کنیم؛ دشمن گاهی حرفی را وسط می‌اندازد تا اذهان ما را درگیر سازد. باید زمان شناس و دشمن شناس باشیم؛ هر کجا وحدت و انسجام و همدلی ما بیشتر بود، توطئه‌های دشمن خشی شده است و کارها بهتر و مطلوب‌تر پیش رفته است؛ باید فقط متمرکز بر رفع مشکلات مردم باشیم، نه پرداختن به حواشی‌ای که دشمن در پشت پرده آنها قرار دارد.»



محمد رضا ثقفی

موج جدید سرما در راه است



نگاه کارشناس

دولت و بحران فقدان کلوئستوس

پیام‌های متناقض در می‌گیرد و سردرگمی عمیق‌تر می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور یک طرف نشسته، معاون اجرایی رئیس‌جمهور طرف دیگر و هر کدام به سمت خودشان پارو می‌زنند. در این میان کلوئستوس کجاست؟ کسی نمی‌داند، یا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد سرنوشت قایق دولت را به دست بگیرد. واقعیت این است که مشکل فقط ناهماهنگی نیست؛ بحران دیگر، سرنوشت ایده «وفاق» در دولت است. پزشکیان می‌خواست از وفاق به عنوان یک راهبرد برای ایجاد ثبات، کاهش تعارضات و ساختن اجماع ملی و توافق سازی استفاده کند. اما وقتی تعریفی روشن از منافع ملی، جایگاه مردم و خطوط قرمز سیاست وجود نداشته باشد، وفاق از یک مفهوم کلان، تبدیل می‌شود به یک تاکتیک کوتاه مدت سیاسی. چیزی که امروز ناظران بیرونی شاهدان هستند محصول همین دیدگاه در وفاق است. برخی وزرایی که در آستانه استیضاح اند، با پنهان پشت پشت ایده «وفاق» در حال پخش صندلی‌ها و امتیازدهی پشت پرده‌اند تا جایشان روی صندلی وزارت محکم شود. این دیگر وفاق نیست؛ این همان معامله‌گری ناپایدار سیاسی است؛ وفاقی که باید ابزار دولت برای توافق سازی ملی باشد، اکنون ابزار برخی وزرا برای چانه زنی شخصی شده است. سقوط یک ایده بلندمرتبه به سطح بده‌بستان سیاسی، خودنشانه فقدان هماهنگی و نظم در دولت است. در سیاست، فرماندهی لازم است؛ کسی که سوت را بزند و بگوید: «این مسیر دولت است؛ این جهت کابینه است؛ هرکس بر خلاف آن پارو بزند، باید از قایق پیاده شود.» اما این صدایی است که در دولت فعلی شنیده نمی‌شود. در دولت فعلی شما حتی اگر وزیری باشی که عملکرد مبهم و ضعیفیت باعث نارضایتی جامعه هدف و سوءمدیریت هایت باعث ایجاد فساد و ناکارآمدی مضاعف شده باشد، می‌توانی بدون نگرانی به کارت ادامه دهی؛ چرا که کلوئستوس معتقد است با هرکس که حرف همکاری زده، پای حرفش می‌ماند. چرا که حرف مرد یکی است، حتی اگر اشتباه باشد! مشکل دولت نه کمبود نیروست و نه نبود برنامه. مشکل این است که وزرا خود را پاروزن این قایق نمی‌دانند و هیچ کس نیست که ریتم واحد را برای پاروزن‌ها دیکته کند. پزشکیان اگر می‌خواهد قایقش در مسیر درست حرکت کند، باید بپذیرد که کلوئستوس این قایق است و الزامات و بایسته‌های نقش را به خوبی ایفا کند؛ یعنی نقش فرماندهی، تعیین جهت واحد، پاسخگو کردن وزرا و بازتعریف وفاق از ابزار معامله‌گری به سازوکار توافق سازی ملی. بدون این‌ها، قایق همچنان در آب می‌ماند و هر روز بیشتر از جهت اصلی دور می‌شود. حتی اگر از دست کسانی که در قایق نشسته‌اند و کف قایق را سوراخ می‌کنند، جان سالم به در ببرد!

نگرانی دیگر این است که در فقدان فرماندهی مقتدر در قایق، پاروزن‌ها با صدای طبل کلوئستوس در قایقی دیگر که در سایه جا خوش کرده، خود را هماهنگ کنند و با ریتم صدای طبل او پارو بزنند.



امید موحّد

فعال رسانه و کارشناس اجتماعی

در ایم قدیم که قایق ها موتور ی نبودند و نیروی محرک قایق ها، پارو زدن بود، یک نفر بود که سرنوشت و مسیر حرکت قایق را تعیین می کرد؛ کسی که یونانی ها به او «کلوئستوس» می گفتند. کلوئستوس همان کسی بود که می رفت نوک قایق می ایستاد، با چوبی در دست روی طبل می کوبید یا اینکه ترانه ای محلی را با ریتم مخصوص می خواند. کلوئستوس با اینکه اصلاً پارو نمی زد، اما همیشه مهم ترین فرد قایق بود. وظیفه اش این بود که ریتم، جهت و سرعت سایر پاروزن ها را در جهت حرکت قایق تنظیم کند. اگر او نبود، پاروزن ها هر کدام به سمتی می رفتند، قایق یا جلو نمی رفت یا دور خودش می چرخید. کلوئستوس بود که گاهی با خواندن ترانه، گاهی با طبل زدن و گاهی با رقصیدن، ریتم و سرعت پاروزن ها برای رسیدن به هدف مشخص و تکتیک پاروزن ها را با یکدیگر تنظیم می کرد. همه پاروزن ها می دانستند که باید به حرف کلوئستوس گوش دهند و اوست که در قایق همه چیز را تعیین می کند. این روزها که اخبار را مرور می کنم و گاهی مصاحبه های اعضای کابینه دولت را می خوانم احساس می کنم که پاروزن ها (وزرا) هر کدام برای خودشان، آنطور که دلشان می خواهد پارو می زنند.

وزرای دولت هر کدام برداشتی متفاوت از مسیر دارند. از همان ابتدا معلوم بود که برخی اعضای کابینه نه به مسیر مشترک، بلکه به پروژه ها و دیدگاه های شخصی شان متعهدند. یکی در یک وزارتخانه به سمت چپ پارو می زند تا به ساحل عدالت توزیعی برسد، دیگری در وزارتخانه اش به سمت راست پارو می زند تا بازار را به جایگاه خود در شاخص گذاری و تعیین قیمت برساند. نمونه بارز دیگر آن، رأی چند وزیر دولت در شورای عالی فضای مجازی بود؛ جایی که باید پشت وعده رفع فیلترینگ - اصلی ترین تعهد پزشکیان به جامعه - می ایستادند، اما برعکس، با مخالفان نظر دولت و رئیس جمهور هم نظر شدند و در همسویی با مخالفان دولت رای دادند. یعنی در لحظه ای که باید همه پاروها هم جهت می شد، بخشی از کابینه عملاً قایق را به سمت مخالف کشید، بی هیچ هزینه وبی هیچ تذکر.

از سوی دیگر ترکیبی های درون دولت هم کم نیست. اختلافات علنی میان وزیر نفت و وزیر نیرو ماه ها است سیاست انرژی کشور را مختل کرده؛ یک طرف دیگری را مقصر خاموشی ها می داند، طرف مقابل سیاست های او را عامل بحران معرفی می کند. در همین حال، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد نیز هر کدام نسخه جداگانه ای برای اقتصاد دارند؛ یکی به کنترل شدید نقدینگی اصرار دارد، دیگری به تحریک تولید از مسیرهای انبساطی، بازار